

کارگران جهان متحد شوید!

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست به مردم ایران

خامنه ای مجرم اول قتل عام جمعی کرونا، به سزای جنایاتش میرسد!

نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست برگزار شد

بیانیه دفتر سیاسی حزب حکمتیست

تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است

قدرت گیری طالبان: آینده مردم افغانستان

پرچم مبارزه علیه وضع موجود و طالبان در دست زنان است

صفحه ۷

گفتگو با رحمان حسین زاده

زنان پیشقدم "نه" به طالبان در خیابانهای کابل

صفحه ۹

پروین کابلی

خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

(مراحل و محورهای کار ما)

۲۸ مرداد و روایت های مختلف

صفحه ۱۲

صالح سرداری

گزارشی از اعتراض علیه عاشورای

جمهوری اسلامی در تورنتو

علیه طالبانها در تهران و کابل

ستون اخبار مبارزات کارگری و

حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم:

سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

۶۰۹

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۹ مرداد ۱۴۰۰ - ۲۰ اوت ۲۰۲۱

پیام نشست دفتر سیاسی حزب

حکمتیست به مردم ستمدیده افغانستان

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

ما رویدادهای افغانستان را با حساسیت دنبال کردیم، در نگرانی و مخاطره بازگشت طالبان شریک بودیم، براین باور بودیم که مردم آزادیخواه افغانستان و منطقه و جهان میتوانند و باید در مقابل این روند ارتجاعی و سلطه مجدد طالبان بر افغانستان بایستند. در لحظاتی که در جلسه دفتر سیاسی بودیم اخبار تسلیم شهر به شهر را توسط نیروهای دولتی به طالبان شاهد بودیم و دل ما با شما مردمی بود که در این وضعیت بغرنج گیر افتاده اید. صحنه های دلخراشی که تلویزیونهای جهان از تحویل افغانستان به طالبان پخش می کنند، نفس را در سینه بشریت آزادیخواه حبس کرده است. مشاهده اسارت یک جامعه عموماً و زنان خصوصاً، تجاوز به کودکان و قتل و آدمکشی سبعانه، قلب هر آزادیخواه و انساندوستی را عمیقاً میفشارد.

آنچه اتفاق افتاد، یعنی تحویل دولت اسلامی غنی به "امارت اسلامی" طالبان، یک معامله کثیف دولت آمریکا و ناتو با طالبان با حمایت دولتهای پاکستان، جمهوری اسلامی، چین و روسیه بود. اشرف غنی فرار کرد و بخش مهمی از هیئت حاکمه فاسد افغانستان در این معامله کثیف علیه مردم شریک

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست

به مردم ستمدیده افغانستان ...

کارگران! مردم!

رنج و محنت و مرگ و میر وسیع فاجعه کرونا در یکسال و نیم اخیر در دنیا و در ایران آزاردهنده و وجدان بشریت را تکان داده است. آنچه در ماهها و هفته های اخیر در ایران تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی به دلیل فاجعه بیماری کرونا میگذرد، قتل عام جمعی به معنای دقیق کلمه است. با قلبی آکنده از درد نشست اخیر دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، گسترش بیسابقه اپیدمی کرونا در ایران و مشقات و پیامدهای آن را بر زندگی مردم بررسی کرد. نشست ما ضمن اعلام همسرنوشتی و همدردی با مردم ایران و به ویژه خانواده همه جانبختگان و آسیب دیدگان این فاجعه بزرگ، بار دیگر بر این واقعیت تاکید کرد، سران جمهوری اسلامی و به ویژه رأس حکومت، خامنه ای جنایتکار، مسئول اول و مستقیم سازماندهی کشتار جمعی عامدانه ناشی از اپیدمی کرونا است.

ما و مردم ایران فراموش نخواهیم کرد، که در آغاز شیوع کرونا در زمستان ۱۳۹۸، به جای تامین امکانات سلامتی و پزشکی و جاری کردن قرنطینه و دیگر اقدامات مقابله با خطر کرونا توسط حکومت، خامنه ای قصی القلب با خونسردی اعلام کرد: "این ویروس کذابی" چیزی نیست و پشت سر گذاشته میشود. دیدیم امامان جمعه نماینده رهبر و آخوندهای همپالگی خامنه ای توسل به "دعا و جادوگری اسلامی و خرافه" را به جای رعایت استانداردهای پزشکی و سلامتی تبلیغ کردند. دیدیم کل هیئت حاکمه جمهوری اسلامی در خدمت برگزاری "مضحکه انتخابات مجلس اسلامی" شیوع کرونا از شهر قم را از مردم پنهان نگه داشته و باعث گسترش وسیع آن در کل جامعه شدند. فراموش نمیکنیم، زمانی که نهادهای پزشکی جهانی تصمیم به کمک رسانی به مردم کرونا زده کردند، دولت جمهوری اسلامی طبق دستور مستقیم خامنه ای راه کمک رسانی به مردم را سد کرد. گفته های روزهای اخیر "زالی" رئیس ستاد مقابله با کرونای تهران از ابعاد جنایت سازمانیافته سران جمهوری اسلامی علیه مردم پرده برداشته است. او اذعان میکند: "وقتی کارشناسان سازمان جهانی بهداشت به ایران آمدند ما به جای مشورت با آنها مدام از آنها میخواستیم در رسانهها از نظام سلامت ایران تعریف کنند". او میگوید "ما ممنوعیت وارد کردن واکسن داشتیم و کمکهای جهانی و پزشکان بدون مرز را از فرودگاه برگرداندیم". او تاکید دارد که "سفرای حکومت دنبال تهیه واکسن نبودند" و میگوید "آمار فوتیها را از سازمان بهداشت جهانی پنهان کردیم!" و واضح است که با دستکاری آمارها همه ابعاد فاجعه را از مردم ایران پنهان کردند.

اما جمهوری اسلامی و در رأس آنها خامنه ای به این سطح از سازماندهی جنایت علیه مردم ایران بسنده نکرد. ما مردم ایران فراموش نمیکنیم که خامنه ای ضد انسان "ورود واکسنهای موثر" تهیه شده در آمریکا و انگلستان را منع کرد و به این ترتیب با گستاخی و علنی فتوای کشتار جمعی و نسل کشی امروز در ایران را صادر کرد. اگر خمینی جلاد در سال ۶۷ با یک فتوا دستور کشتار جمعی زندانیان را صادر کرد، این بار در سال ۹۹ خامنه ای با یک حکم دستور قتل عام جمعی بسیار گسترده تر و تاکنون در ابعاد دهها هزار نفری را صادر کرد. ما و مردم ایران همه دست اندرکاران جمهوری اسلامی و در رأس آنها خامنه ای را مجرم اول و مستقیم قتل عام جمعی در حال جریان به واسطه کرونا میدانیم. سران جمهوری اسلامی و امثال خمینی و خامنه ای در طول حاکمیت ۴۳ ساله حکومت سیاهشان عامل و بانی تحمیل گرسنگی، تشنگی، بی مسکنی، بیکاری و بیماری و فقر شدید و تبعیض و نابرابری و تحمیل جهل و خرافه و سازماندهی جنایات تکان دهنده و جنگ و برپایی صحنه های صدها هزار اعدام و شکنجه و سربیه نیست کردن هزاران نفره و در یک کلام تبدیل ایران به اسارتگاه بزرگ برای شهروندان جامعه هستند. امروز کشتار جمعی فاجعه کرونا به پرونده سراپا جنایات همه آنها و به ویژه خامنه ای اضافه شده است.

شد. شما تنها مانندید با صفی از جنایتکاران حامی و شریک طالبان. بازگشت طالبان بار دیگر افغانستان را به قتلگاه زنان و یک پایگاه فعال نیروهای تروریستی و جنگ سالار تبدیل می کند. بازگشت طالبان یعنی محو کردن مجدد زنان از جامعه، حمله به هر ذره از حقوق و آزادی فردی و اجتماعی، بستن مدارس و ممنوعیت آموزش و هر جلوه از زندگی تحت پرچم کاذب و دروغین "صلح در افغانستان!" اما این پایان راه نیست، با اراده آگاهانه و سازمانیافته مردم اوضاع میتواند تغییر کند. در ایران مردم آزادیخواه در کار بزیز کشیدن جمهوری اسلامی اند. در عراق و لبنان علیه سلطه دولتهای توافقی و قومی و مذهبی بمیدان آمده اند. اکثریت مردم افغانستان اکنون در شوک این معامله کثیف اند اما سلطه طالبان را نمی پذیرند.

حزب حکمتیست در ایران همراه با طبقه کارگر و زنان و مردان آزاداندیش در کنار شماست. اگر امروز در ایران یک دولت کارگری سر کار بود، به یاری شما برای درهم کوبیدن طالبان می آمد. به نظر ما تنها سیاست درست در شرایط حاضر، برافراشتن پرچم مقاومت توده ای و مسلحانه علیه دولت مستعجل طالبان است. در این نبرد موثلفین طالبان و دولتهای دمکرات و مستبد و اسلامی کنار شما خواهند بود اما مردم آزادیخواه جهان از تهران و بیروت و بغداد تا پاریس و برلین و لندن در کنار جنبش مقاومت علیه حکومت طالبان خواهند ایستاد. سلطه طالبان را نپذیرید، علیه اش بپاخیزید!

نشست دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۵ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۶ اوت ۲۰۲۱

دستور کار یک کمونیست، یک آزادیخواه و برابری طلب، هر کسی که نمی خواهد بساط توحش اسلامی طالبان مجددا راه بیافتد، در لحظه حاضر برافراشتن پرچم مقابله فعال با طالبان است. سازماندهی یک جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه برای دفاع از خود و شهرها و روستاها در مقابل طالبان و موثلفین اسلامی اش، تنها سیاست بسیج کننده در لحظه حاضر است.



آزادیخواهان افغانستان را تنها نگذاریم! آکسیون همبستگی با مبارزات مردم آزادیخواه افغانستان در گوتنبرگ سوئد، بین توریت ساعت 14 روز شنبه 28 اگوست!

تصویر: مجید آذین پور

تظاهرات علیه طالبان و در دفاع

از زنان و مردم افغانستان

زنان و کودکان و آزادیخواهان

افغانستان را تنها نگذاریم!

از مقابله با طالبان و برای آزادی، حمایت کنیم!

شنبه ۲۱ آگوست،

محل سرگلاستوری، ساعت ۱۵

شورا - استکهلم

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

پیام نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست به مردم ایران خامنه ای مجرم اول قتل عام جمعی کرونا، به سزای جنایاتش میرسد ...

جمهوری اسلامی در سرانحیبه سقوط و سرنگونی است. عزم کارگر و مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی جامعه را در مسیر عروج جنبش توده ای برای ساقط کردن این رژیم قرار داده است. برای پایان دادن به گرسنگی و تشنگی و بیماری و بیکاری و فقر و تبعیض و نابرابری و سرکوب و کشتار باید بپاخیزیم و حکومت جمهوری اسلامی را جارو کنیم. دور نیست روزی که سران جمهوری اسلامی درست مثل سران حکومت فاشیست هیتلری به جرم جنایت علیه بشریت به دادگاه سپرده میشوند. خامنه ای با هزاران پرونده جنایت از جمله مسبب اصلی و مستقیم کشتار جمعی کرونا باید به سزای جنایاتش برسد.

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمیست

۲۵ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۶ اوت ۲۰۲۱

نقد کتاب توماس بیگتی

سرمایه

در قرن بیست و یکم

حسین مرادیکی



بحث رابطه ویژه سرمایه با کار، نیروی انسانی، سرمایه داری، ارزش، بهره، پستی است در کتابش مشکلی آنها معرفی نیست که گویا از مشاهده سود و ثروت بورژوازی بی اطلاع است. "سرمایه" اقتصاد بورژوازی که کارش کشتن، ستم، سرود و ثروت بورژوازی از طبقه کارگر است به آنها می‌رسد که چگونه اقتصاد سیاسی را از بنده سرمایه دار بخوانند محصوره ای از پول و کار و ابزار تولید، آنچه که سرمایه دار روزانه با آن سود کار دارد خلق می‌کند تا مشاهده سود و ثروت بورژوازی را که چیزی هم استعمار طبقه کارگر نیست از این طبقه کشتن کنند...

منتشر شد!

(تهیه کتاب در سوئد)

نقد کتاب توماس بیگتی

سرمایه در قرن بیست و یکم

نویسنده: حسین مراد بیگی (حمه سور)

برای تهیه این کتاب به شماره تلفنهای زیر ارتباط بگیرید

مهدی طاهری ۰۷۲۳۰۲۹۰۸۲

محمود محمد زاده ۰۷۳۶۳۲۸۷۲۶

کریم نوری ۰۷۰۴۴۴۱۵۵۵

قیمت کتاب ۱۰۰۰۰ کرون سوئد، با هزینه پست ۱۴۰۰ کرون

هزینه به این شماره تلفن می‌توانید سوبش کنید و پایه شماره حساب زیر واریز کنید

PG: 650 115 - 9 IKF

مرگ بر جمهوری اسلامی!

نشست دفتر سیاسی

حزب حکمتیست برگزار شد

روزهای شنبه و یکشنبه ۲۳ و ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ برابر با ۱۴ و ۱۵ آگوست ۲۰۲۱ جلسه دو ماهه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اعضای دفتر سیاسی، رفقا حسین مرادیگی (حمه سور)، جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی، نادر شریفی و اسماعیل ویسی دبیران تشکیلات خارج و ستاد تبلیغ حزب برگزار شد.

دستور مصوب دفتر سیاسی عبارت بود از: ۱- گزارش و ارزیابی ۲- اوضاع سیاسی ایران، ارزیابی از تحولات اخیر ۳- اولویتهای رهبری حزب در دوره متحول پیش رو ۴- اولویت های سیاست حزب در کردستان ۵- قرار و قطعنامه ۶- انتخابات.

سیاوش دانشور در دستور گزارش با گرامیداشت یاد رفیق مصطفی قادری که در فاصله دو نشست دفتر سیاسی درگذشت، مبحث را آغاز کرد. بحث گزارش اساساً روی مسائل عمده مبارزات جاری در ایران و بررسی سیاستها و شیوه برخورد حزب متمرکز بود و به سیاست و اقدامات حزب در قبال انتخابات رژیم، برآمد اعتصابی و اعتراضات توده ای، مسائل گرهی جامعه و مجاری بروز اعتراضات سرنگونی طلبانه، چشم انداز روند اوضاع و جهت و تمرکزی که حزب داشته و باید دنبال کند، مجموعه ای از اقدامات تشکیلاتی و پیگیری اجرای سیاستهای مصوب حزب، وضعیت بغرنج و متحول افغانستان و اهمیت اتخاذ سیاستی که ما داشته ایم اشاره کرد. مسئول کمیته های داخل، کردستان، خارج، رفقا رحمان حسین زاده، صالح سرداری و نادر شریفی، مسئولین حزب در شورای همکاری، عرصه مسئله زن، مالی، تی وی و ستاد تبلیغات؛ رفقا سعید یگانه، پروین کابلی، ملکه عزتی، سیوان کریمی و اسماعیلی ویسی نیز گزارشهای تکمیلی به نشست ارائه دادند. جلسه دفتر سیاسی در ارزیابی از اقدامات و سیاستهای دنبال شده مجموعاً ارزیابی مثبتی داشت و در عین حال تاکید داشت علیرغم شرایط سخت کرونائی، ایران دو ماه داغ و مهمی را از سر گذراند و با اینکه سیاستها و تاکتیکهای حزب مربوط و درست بودند اما سطح ابراز وجود سیاسی و پاسخگویی به مسائل هنوز جویگوی نیازها و شرایط خطیر کنونی نیست و باید سرعت رفع شود. در بحث گزارش همینطور نکات سیاسی و سبک کاری مختلفی در باره روش برخورد حزب به مسائل جامعه و حکومت، سوالات جنبش کارگری و مسائل تاکتیکی اشاره شد، بر آمادگی بیشتر و سرعت عمل رهبری حزب در عین حفظ اتحاد و انسجام، بر آزاد شدن نیروی واقعی حزب و درگیر شدن بیشتر در قلمروهای کلیدی از جمله جنبش کارگری تاکید داشت.

تحلیلی ما از اوضاع سیاسی و روند اوضاع، سیاستهای کمونیستی در قبال این اوضاع و وظایف حزب دیدگاه روشن و دخالتگرانه ای داشت و روی جوانب مختلف سند ارائه شده پیشنهادات و ملاحظات خود را طرح و وارد کرد. بیانیه اوضاع سیاسی باتفاق آرا به تصویب دفتر سیاسی رسید.

مبحث "اولویتهای رهبری حزب در دوره متحول پیش رو" را رحمان حسین زاده به نشست معرفی کرد. این بحث و نکات آن روی ایجاد آمادگی و نیازهای مبرمی که پیش روی مبارزه سیاسی و حزبی در اوضاع متحول کنونی وجود دارد و پاسخ به آنها تاکید دارد. سند ارائه شده به اتفاق آرا تصویب شد.

مبحث "اولویتهای سیاست حزب در کردستان" را صالح سرداری به نشست ارائه داد. این بحث در چهارچوب سیاست ما در کردستان روی پروژه ها و اقداماتی مشخص در صحنه سیاسی کردستان از جمله تقابل چپ و راست تاکید داشت. نشست ضمن موافقت با چهارچوب بحث، ملاحظات و تاکیدات ضروری را مطرح کرد. این سند نیز با اکثریت آرا و یک رای ممتنع تصویب شد.

در مبحث قرار و قطعنامه از میان قرارهای ارائه شده چند قرار داخلی جهت ابراز وجود سیاسی موثرتر رو به بیرون و تحکیم مکانیزمهای رهبری و تشکیلات به تصویب رسید که توسط هیئت اجرایی منتخب به ارگانهای ذیربط ابلاغ میشود.

نشست دفتر سیاسی همراه بود با تحولات سریع در افغانستان و معامله کثیفی که یک جامعه و مردم را تحویل طالبان این نیروی از گور برخاسته میدهد. دفتر سیاسی پیامی به مردم ستمدیده افغانستان صادر کرد که طی آن ضمن اعلام همبستگی و همدری، مردم افغانستان را به مقابله با حاکمیت و سلطه طالبان فرامیخواند.

نشست دفتر سیاسی همینطور روی قتل عام مردم توسط جمهوری اسلامی و خامنه ای با پاندمی کرونا صحبت کرد و در این زمینه پیامی صادر کرد. این پیام خامنه ای و سران رژیم را مسئول قتل عام آگاهانه و جمعی مردم میدانند و خواهان محاکمه این جنایتکاران است.

در مبحث انتخابات سیاوش دانشور باتفاق آرا به ریاست دفتر سیاسی انتخاب شد. همینطور جلسه دفتر سیاسی رفقا پروین کابلی، رحمان حسین زاده، سعید یگانه، صالح سرداری و عبدالله دارابی را باتفاق آرا بعنوان اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی انتخاب کرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۹ اوت ۲۰۲۱

مبحث "اوضاع سیاسی ایران و ارزیابی از تحولات اخیر" و بیانیه پیشنهادی را سیاوش دانشور به جلسه معرفی کرد. نشست روی مبانی

تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است

۱- جامعه ایران در منگنه بحرانهای فزاینده و لاینحل در اعتراض و اعتصاب است. از کوبیدن رژیم در انتخابات تا امواج اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، صرفاً نوک کوه یخ پتانسیل قدرتمند اعتراضی در جامعه علیه وضع موجود است. بحران رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود. امروز این حرف قدیمی ما که رفع این بحران نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست بلکه با تعمیق ناگزیر آن زمینه ساز سرنگونی خویش را فراهم می آورد، به آگاهی عمومی بدل شده است. سرنگونی خواهی به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده و مسئله قدرت سیاسی را بعنوان کلیدی ترین سوال روز بجلو رانده است. حزب کمونست کارگری- کمونست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، کسب قدرت سیاسی و برقراری یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه می کند.

۲- یک مشخصه مهم وضعیت کنونی تشدید کشمکش طبقاتی و قطبی شدن سیاست است. در بالا، نیاز بورژوازی حاکم به فشرده شدن و تغییر آرایش سیاسی جهت مواجهه با نخواستن جامعه و مبارزات رو به رشد کارگری است. لذا رئیسی برای اجرای یک پلاتنوم اقتصادی متمایز نیامده است، دوره این حرفها گذشته است، رئیسی چکیده ورشکستگی خامنه ای و ناتوانی نظام اسلامی در مقابل یک جامعه خشمگین و آماده نبرد است. اما سیاست سرکوب و ارعاب، توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد. رئیسی قبل از اینکه بیان قدرت جمهوری اسلامی باشد، نشان ضعف و بن بست لاعلاج رژیم اسلامی است.

۳- سیاست دولتهای آمریکا و اروپا در قبال رژیم اسلامی، تامین کننده منافع آتی و آتی این دولتهاست. حمایت از اسلام سیاسی در ایران، تلاش برای مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی، حضور نمایندگان اتحادیه اروپا در مراسم تحلیف رئیسی جلا، بدلیل "عدم اطلاع" از کارکرد جنایتکارانه رژیم و شخص رئیسی از جانب دول غربی نیست. منافع و ترجیح سیاست خارجی آنها در منطقه ایجاب میکند که اولاً، جمهوری اسلامی را حتی الامکان رام کنند و سرپا نگهدارند. ثانیاً، از پتانسیل قوی کمونیسیم و برابری طلبی در جامعه ایران وحشت دارند. علیرغم اختلافات درون طبقاتی با جمهوری اسلامی، منفعت استراتژیک و طبقاتی دولتهای غربی، آنها را کنار تداوم سلطه حکومت اسلامی سرمایه در مقابل جامعه ای میگذارد که یک حاکمیت اسلامی و استثمارگر را بیش از این تحمل نمیکند و علیه آن بپاخاسته است. هر زمان پایان حکومت اسلامی مُسجل شود، همین دولتها و سیاستمداران ریاکار پشت بورژوازی در حاشیه حکومت و اپوزیسیون میروند. اپوزیسیون بورژوائی ایران منتظر این لحظه موعود است.

اعتصابات کارگری - اعتراضات توده ای

دو رکن نبرد سرنوشت ساز

۴- اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای دو قلمروی سرنوشت ساز مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی است. همزمانی اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، ادامه دینامیزم خیزش آنان در کیفیت جدیدی است. برخلاف سال ۵۷ امروز با یک جامعه خودآگاه روبرویم که جنبشی حرکت میکند و نیاز اتحاد را می شناسد. آنچه امروز در جریان است، آغاز دور جدیدی از حضور فعال جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است. این روند بدون تردید افت و خیز خواهد داشت و میتواند آشکال مختلفی بخود بپذیرد. جامعه ایران نظر به مشخصات سیاسی و صنفی طبقات و کشمکشهای جاری، آستن یک تحول ریشه ای و زیر و رو کننده، یک انقلاب اجتماعی است. جنبش سرنگونی رژیم اسلامی در سیر خود حول افق و راه حل چپ یا افق و راه حل راست پلاریزه میشود. جدال برسر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون راست پروغری و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی پیروزی دارند.

۵- اپوزیسیون راست پروغری، با شکست تاکنونی پروژه های آلترناتیو سازی و "رژیم چینج" و دوره ای سردرگمی، در کنار جمهوریخواهان و ناسیونالیست اسلامی ها، خود را با اوضاع جدید هماهنگ کرده اند. این نیروها، در هر ترکیبی و تحت هر پرچمی، نمایندگان بورژوازی ایران و اعاده نظم قدیم در دوره سرنگونی هستند. نیروی اینها را نباید دست کم گرفت، طرحهای ارتجاعی آنها را باید به شکست کشاند و منزوی کرد.

۶- جنبش کمونیستی کارگری تنها جنبشی است که با آمل و آرزوهای توده های میلیونی کارگران و مردم خواهان برابری و رفع تبعیض خوانائی دارد و به رادیکالیسم اجتماعی، به حضور گسترده طبقه کارگر، به برابری طلبی و آزادیخواهی، به سکولاریسم و ضد اسلامی بودن جامعه متکی است. حزب کمونست کارگری - کمونست تلاش میکند که جنبش کنونی برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد.

خط مشی تاکتیکی ما در دوره حاضر

۷- در این دوره حزب کمونست همگام با رهبران کارگری رادیکال و سوسیالیست و پیشروان اعتراضات توده ای، در نقشه ای هماهنگ و هدفمند برای گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در سراسر ایران همه توان خود را بکار میگیرد. برای متحد و همگام کردن مبارزات کارگری و توده ای با اتکاء به شبکه مبارزاتی به هم مرتبط فعالین جنبش کارگری و جنبش توده ای، همه ظرفیتهای سیاسی و تشکیلاتی خود را بکار میگیرد. اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در پیکره ای واحد و هماهنگ، میتوانند قدم به قدم تناسب قوا را به نفع خود تغییر دهند و حول پلاتنوم و معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و از جمله خواستها و شعارهای "آزادی، برای، رفاه همگانی" و "معیشت، سلامت، واکسیناسیون" بمیدان بیاید.

۸- یک اولویت فوری حزب ما و فعالین کمونست در این دوره اقدام به برپائی مجامع عمومی منظم و برپائی شوراها در مراکز کار و در محلات است. مراکز کار به عنوان مکان شکلگیری

قدرت گیری طالبان: آینده مردم افغانستان

پرچم مبارزه علیه وضع موجود و طالبان در دست زنان است ...

مردم افغانستان "زنانه" خواهد بود. من تردیدی ندارم این جنبش پر قدرت عرض اندام میکند. این جنبش با چند خصلت آزادیخواهانه سیمای سیاسی و مبارزاتی جامعه افغانستان را تغییر خواهد داد. از جمله اولاً جنبشی برخاسته از دل شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ، خواهد بود. توده وسیعی را حول خود سازمانیافته و متحد خواهد کرد، ثانیاً مستقیماً علیه قوانین و موازین شرعی و اسلامی و به این معنا خصلت ضد مذهبی و ضد خرافه و جهل را خواهد داشت، به این ترتیب بستر بزرگی برای عروج ترقیخواهی خواهد بود. ثالثاً نقش زنان هدایت گرانه و برجسته و ظرفیت آزادیخواهانه و برابری طلبانه آن بالا خواهد بود. مساعدترین جنبش عروج چپگرایی سوسیالیستی خواهد بود. یادمان باشد، چپ گرایی در جامعه افغانستان پایه جدی دارد و میتواند چپ و سوسیالیسم رادیکال و مارکسی، نه چپ پروروسی و چینی قبل شکست خورده اینبار دست بالا پیدا کند.

جنبش مقاومت توده ای که در چشم انداز است، به نظرم اگر بتواند به سه مسئله گری به موقع پاسخ دهد، میتواند با قدرت بالا ارتجاع اسلامی و قومی در افغانستان را به شکست بکشاند. الف- جنبش مقاومت توده ای در مقابله با طالبان تروریست و مسلح و دیگر دارودسته های قومی و مذهبی مسلح و جنگ سالار نمیتواند مسلح نباشد. به این ترتیب جنبش مقاومت توده ای مسلحانه آن جنبش پیشبرنده نبرد قطعی با ارتجاع تروریستی است. ب- بر تفرقه قومی و مذهبی نهادینه شده در جامعه افغانستان فایق آید. جنبش مقاومت غیرقومی و غیر مذهبی، متکی به اتحاد آگاهانه و آزادیخواهانه مردم عبور کرده از تعصبات و هویت قومی و مذهبی و ارجح قراردادن هویت انسانی، بستر به هم بافتن نیروی عظیم زنان و مردان آزادیخواه و انسان محور در عرصه نبرد با ارتجاع قومی و مذهبی خواهد بود. ج- چنین جنبشی لازمست به پلانفرم و رهبری رادیکال متکی شود. من بسیار خوشبینم در دوره جدید، جنبش مقاومت توده ای مسلحانه با چنین کاراکتره هایی بخش یکبار برای همیشه به سیطره ارتجاع در جامعه افغانستان پایان دهد. عروج چنین جنبشی قطعاً با بیشترین حمایت آزادیخواهان جهان روبرو خواهد شد. واضح است کارگران و مردم ایران، زنان و مردان آزادیخواه و ما کمونیستها و حزب کمونیست که هم اکنون در نبرد قطعی با جمهوری اسلامی هستیم، موثرترین حامی جنبش و مبارزه توده ای مردم افغانستان برای جارو کردن تروریسم طالبان و کل ارتجاع خواهیم بود.

**جنبش مجمع عمومی کارگری
را گسترش دهیم!**

تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است ...

اعتصامات و محلات شهرها به مثابه مکان شکل گرفتن اعتراضات شهری، بسترهای بسیار مساعدی برای ایجاد و گسترش جنبش مجامع عمومی و شورایی هستند. حزب کمونیست فعالین کارگری و کمونیست را در مراکز کار و محلات به ایجاد و گسترش مجامع عمومی و سازمانیابی شورایی فرامیخواند.

۹- شوراها امروز ابزار تشکل و اتحاد و بسیج کارگران و توده مردم و از ارگانهای قیام در جدال برای سرنگونی هستند. تلاش ما اینست که دولت برآمده از قیام دولتی انقلابی باشد که نیروی طبقه کارگر را برای تداوم انقلاب و حرکت بیوقفه برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و پیشروی بسوی ایجاد سازمان سوسیالیستی نوین جامعه رهنمون شود.

۱۰- حزب کمونیست کارگری حکمیتست کارگران کمونیست و رهبران عملی کارگران را به ایجاد سنگرهای کمونیستی، به متحزب شدن در مبارزه جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد، خوشبخت و مرفه سوسیالیستی فرامیخواند. حزب حکمیتست ظرف اعتراض رادیکال کارگری و مبارزه انقلابی است. کارگران، کمونیست ها، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، جوانان انقلابی! این حزب شماسست، به حزب تان بپیوندید!

مصوب دفتر سیاسی باتفاق آرا

۲۳ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۴ اوت ۲۰۲۱

جهان بدون

فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلاهی تبدیل میشود!

منصور حکمت



اکنون در صف اول به رسمیت شناسی تروریسم "دولت شده" طالبان هستند. منتظر برقراری رابطه و سرمایه گذاری در افغانستان و چیدن محصول بند و بست کثیف خود با تروریسم اسلامی هستند. عامل موثرتر، نقش مستقیم دولت تا مغز استخوان فاسد پاکستان، که طراح عملی این سناریو و هدایت کننده همه اعمال طالبان

است. بعلاوه جمهوری اسلامی، بویژه در یکسال اخیر در قدرتمند کردن طالبان نقش ضد مردمی خود را دریغ نکرد. بعضی دولتهای عربی و مشخصا قطر هم نقش مهمی در بازگرداندن طالبان به قدرت داشتند. در یک جمله ارتجاع جهانی و منطقه ای هر کدام بر اساس منافع آبی یا آبی خود، دوباره طالبان تروریست را به کرسی قدرت پرت کردند.

سطح دوم، علت این وضعیت، نقش مستقیمی ضد مردمی داروندهای قومی، مذهبی داخل افغانستان که دورانی به نام "مجاهد" و "ائتلاف شمال" و بیست سال است در قالب "دولت" و "لویه جرگه" با سرنوشت مردم بازی میکنند. زندگی مردم را به گروگان گرفتند. شکافهای قومی، مذهبی را نهادینه و جنگ و کشتار را تشدید کردند. پیامد دردناک این وضعیت، قربانی شدن مردم، سلب اراده آنها و غیبت صف مستقل و سازمانیافته اراده مبارزاتی مردم و جوانان و بویژه زنان جسور زیر سایه سناریوی سیاهی است که بیش از چهاردهه است، جنگ سالاران اقوام و مذاهب بر مردم بخت برگشته افغانستان تحمیل کرده اند. آنچه به وضوح در این روزهای سخت قابل مشاهده است، نفرت و انزجار عمیق و گسترده مردم و به ویژه نسل جوان و زنان افغانستان در مقابل وحوش تروریست طالبان و حتی جسارت آنها برای مقابله مستقیم با طالبان است. تظاهراتهای روزهای اخیر در جلال آباد و کابل و بعضی جاهای دیگر و به ویژه آکسیونهای سمبولیک مبارزاتی زنان رودرروی تفنگچیهای تروریست طالبان، گواه ظرفیت مبارزاتی بالا برای تحمل نکردن حاکمیت سیاه طالبان است. این پتانسیل مبارزاتی زنان و مردان و جوانان آزادیخواه، میتواند به نیروی نجات دهنده جامعه افغانستان تبدیل شود، به شرطی که یکبار برای همیشه مستقل از داروندهای قومی و مذهبی به جنبش متمایز آزادیخواهانه و برابری طلبانه برای تعیین تکلیف با تروریسم طالبان و کوتاه کردن دست داروندهای قومی مذهبی شکل دهد.

سیوان کریمی: آیا حکومت طالبان میتواند خود را بر مردم تثبیت کند؟ این بحث مطرح است اینها با گذشته فرق کرده اند؟ توضیح شما چیست؟

رحمان حسین زاده: تروریسم طالبان آن هم به ضرب تهدید و ترور و حمایتهای ارتجاع جهانی و دولتهای منطقه شاید برای مدت کوتاهی بتواند خود را بر مردم تحمیل کند، همانطور که اکنون بیش از یک هفته است، این اتفاق افتاده است، اما قطعاً نمیتواند حاکمیت سیاه خود را تثبیت کند. با یک نگاه ساده، هر ناظر روشن بین متوجه میشود، طالبان حتی متکی به مانورهای فریبکارانه مقطعی، نمیتواند بر مردم آگاه شده به حقوق اولیه خود، بر جوانان و به ویژه زنان آشنا شده به دخالتگری در اداره جامعه و حقوق انسانی خود و استانداردهای مدرن و پیشرفته و توقعات بالا از زندگی حاکمیت کند. نیروی کپک زده عصر حجر، متکی به "شریعت اسلام" وصله ناجوری به جامعه است که تحمل نخواهد شد. بالاتر هم اشاره کردم، این واقعیت را در عکس العمل مبارزاتی

قدرت گیری طالبان: آینده مردم افغانستان

پرچم مبارزه علیه وضع موجود و طالبان در دست زنان است

گفتگو با رحمان حسین زاده

سیوان کریمی: قدرت گیری مجدد طالبان به این سرعت، همه را غافلگیر کرد، علت چه بود؟ بازنده و برنده این ماجرا چه کسانی هستند؟

رحمان حسین زاده: بازنده این رویداد تلخ متأسفانه اساساً مردم و به ویژه زنان و نسل جوان افغانستان هستند و برنده عمده و فوری دولت پاکستان و نیروی نیابتی این دولت یعنی جریان تروریستی طالبان است. طبعاً ارتجاع جهانی و منطقه در این ماجرا ذینفعند، که در ادامه به آن اشاره میکنم. باید دقت کنیم، آنچه غافلگیر کننده بود، بازگشت طالبان به قدرت نبود، چون برگرداندن طالبان به قدرت طبق سازش و توافق بین دولت آمریکا و طالبان در "دوحه" از مدتها قبل طراحی شده بود. آنچه غافلگیر کننده بود، سرعت عمل یک هفته ای فروپاشی دولت پوشالی دست ساز آمریکا و ناتو و تحویل دادن یک به یک شهرها و نهایتاً کابل پایتخت به تروریستهای طالبان بود. واقعه ای که برای خود طالبان هم غیره منتظره بود. بازگشت دوباره تروریسم سیاه طالبان علل مختلف دارد، اما من در دو سطح عمده به دلایل آن اشاره میکنم:

سطح اول: علت مستقیم و فوری، هزیمت آشکار آمریکا و ناتو در بطن شکست استراتژی و عملکرد آنها در افغانستان بود. دولت ترامپ حدود سه سال قبل به استقبال قبول این شکست رفت و سازش و معامله یکجانبه "دوحه" از بالای سر دولت "اشرف غنی" در انطباق با قبول این شکست بود. اجرای عملی این معامله کثیف توسط دولت جو بایدن و متحدین غربی اش و ناتو در ماهها و هفته های اخیر به فرجام طبیعی خودش رسید. دبیر کل ناتو با وقاحت تمام و بدون پرده پوشی سه روز قبل در کنفرانس مطبوعاتی اش چنین گفت؛ "ما بر سر دوراهی بودیم، یا در افغانستان بمانیم و بجنگیم و یا طالبان به قدرت بازگردند، ما دومی را انتخاب کردیم". و اینچنین صریح و بیشرم، تمام ادعاهای پوچ "مبارزه با تروریسم و دفاع از حقوق بشر و کمک به مردم افغانستان" را برملا کرد. همان واقعیتی که همیشه ما کمونیستها گفتیم و هشدار دادیم، که اتکا به دخالتهای نظامی آمریکا و متحدینش و ناتو و کلاً قدرتهای بزرگ توسط اپوزیسیونهای ارتجاعی و بورژوازی و قومی و مذهبی که از جمله بیش از چهار دهه است، داروندهای قومی و مذهبی تروریست در افغانستان به آن متکی اند، عاقبت دودش به چشم مردم رنج دیده میرود. اتفاق تلخی که برای بار چندم در افغانستان تکرار شد. طبعاً روند هزیمت و شکست آمریکا و ناتو باب طبع چین و روسیه رقیبان جهانی آمریکا و غرب بود، این یک تغییر معادله جدی در کشمکشهای جهانی و منطقه ای به ضرر آمریکا و غرب در مقابل چین و روسیه است. این شکست میخ آخر را بر داعیه های "خاورمیانه بزرگ" آمریکا کوبید. سیر نزولی موقعیت آمریکا در خاورمیانه با این واقعه مسجل تر شد. چین و روسیه خرسند از این اوضاع از مدتها قبل با طالبان به عنوان نیروی جانشین دولت پوشالی مستقر در کابل بند و بست داشتند، راه به قدرت رسیدن این جریان سیاه را تسهیل کردند و

قدرت گیری طالبان: آینده مردم افغانستان

پرچم مبارزه علیه وضع موجود و طالبان در دست زنان است ...

همین روزها در بعضی شهرها و به ویژه با نگاهی به آگاهگریها و اظهار نظرهای بسیار گسترده و امید بخش زنان و جوانان و مردم منتفر از طالبان و حامیان در رسانه ها و شبکه های اجتماعی میتوان دید.

بحث طالبان "تغییر کرده" فرمول بیشرمانه دولتهای غربی و رسانه ها و نهادهای اجیر آنها است که ظاهراً با این فرمول حقه بازانه، میخواهند ادعای پوچ "حقوق بشری" خود را پینه کنند و راه را برای به رسمیت شناسی حاکمیت تروریستی طالبان هموار کنند. قدرتها و دولتهای سوپر مرتجع مثل روسیه و چین و جمهوری اسلامی و پاکستان و قطر و عربستان و ... احتیاجی به پناه بردن به این فرمول ریاکارانه ندارند، طبق منافع و همسویی خود این جریان را تایید و حمایت میکنند. سخنگوی طالبان در اولین کنفرانس مطبوعاتی، در پاسخ به سئوالهای متعدد در مورد رعایت "حقوق مردم و آزادیهای سیاسی و حقوق زنان و غیره"، همه را مشروط به رعایت چهارچوب "شریعت اسلام" کرد. مردم ایران و افغانستان و شهرهای موصل و رقه رنجیده از زندگی تحت حاکمیت متکی به "شریعت اسلام" به خوبی معنای اجرای احکام قرون وسطایی اسلامی و مذهبی را میدانیم. یکبار دیگر تن دادن، به ممنوعیت استفاده از استانداردهای مدرن زندگی، قدغن کردن بهره گرفتن از دستاوردهای علمی و پزشکی در سطوح مختلف حیات بشری و به جایش رواج دادن جهل و خرافه، جاری کردن جنایت اعدام و سنگسار، قصاص و دست و پا قطع کردن انسانها به نام مجازات اسلامی، زنان را تعریف کردن به عنوان برده جنسی و تبعه درجه چند جامعه و راندن به کنج خانه و قعر زندگی، تحمیل پوشش اسلامی و بورقه و حجاب و رسمیت دادن به تجاوز جنسی به کودکان به نام "نکاح" و تلاش برای به تمکین کشاندن جامعه تحت لوای "امارات اسلامی" و یا "خلافت اسلامی"، زنده کردن روشها و سنتهای ۱۴۰۰ سال قبل گوشه هایی از اجرای "شریعت اسلامی" است. این جوهر و ماهیت حکومت متکی به شریعت اسلامی است، که دولتهای غربی و کاربدستان آنها به خوبی از این واقعیت تلخ مطلعند، اما منافع اقتصادی و محاسبات سیاسی بورژوازی و در رأس آنها قدرتهای امپریالیستی غربی و متحدانشان حکم میکند، با توجیه "طالبان تغییر کرده" راه ادامه بند و بست و معامله گری با تروریسم سیاه "دولت شده" را توجیه کنند. با گستاخی و بیشرمانه به ساده ترین جنبه های حق و حقیقت پشت کنند. این ماهیت زشت نظم سرمایه از جمله در سیمای دولتهای دموکراسی و به قول خودشان "جهان آزاد" است. همین روزها زنان جسور و جوانان پرشور افغانستان در رسانه های و شبکه های اجتماعی با روشن بینی بی نظیر پروپاگاندا رسانه ها و مبلغین نان به نرخ روز خور را در باب "طالبان تغییر یافته و معتدل شده" با صدای رسا خنثی و افشا و رسوا کرده اند.

سیوان کریمی: جمهوری اسلامی از بازگشت طالبان استقبال کرده، مرزها را بر روی آوارگان افغانی بسته، این اوضاع چقدر به نفع رژیم اسلامی است؟

رحمان حسین زاده: یادمان باشد، جمهوری اسلامی و طالبان قبل از ۲۰۰۱ مشکلات و خصومت جدی باهم داشتند و تا پای جنگ رفتند. به همین دلیل جمهوری اسلامی دوره قبل از ائتلاف شمال حمایت کرد و حتی برای شکست دادن طالبان با آمریکا همکاری کرد. دو طرف آن اتفاقات و خصومتها پایه ای تر، سیاسی و حتی ایدئولوژیکی را از یاد نبردند. اما در سالهای اخیر به همدیگر نیاز پیدا کردند. مشخصاً از مقطعی که جمهوری اسلامی دید، طالبان به قدرت بازگردانده میشود، وارد رابطه حمایت آمیز موثر با طالبان شد. منافع مقطعی و کوتاه مدت هر دو طرف ایجاب میکند چنین مناسباتی داشته باشند. جمهوری اسلامی عروج مجدد جریان مشابه خودش تروریست و اسلامی را در کشور بغل دستی به نفع خود میداند. به ویژه که دو متحد بزرگش چین و روسیه هم از آن خشنودند. اما به نظرم این دوره همسویی مقطعی دوام جدی نخواهد داشت. اگر طالبان موقعیت خود را محکم کند، این همسویی و همگامی ادامه پیدا نمیکند. تضادهای واقعی و جدالهای آنها دوباره سر برمیآورد. جمهوری اسلامی فکر میکند، همراه با طالبان فعلاً جنبه ضد آمریکایی را تقویت میکند. در صورتیکه برخلاف دوره قبل، این بار دولت طالبان با طرح آمریکا به قدرت برگشته و از هم اکنون دنبال به رسمیت شناسی "دولتش" نزد آمریکا و غرب است و چه بسا در آینده غرب به عنوان کارت فشار از حکومت طالبان علیه جمهوری اسلامی استفاده کند. فکر میکنم، مناسبات آنها شکننده و چه بسا در میان مدت و طولانی تر جمهوری اسلامی از آن ضرر ببیند.

در مورد آوارگان افغانستان دولتهای همجوار و از جمله جمهوری اسلامی مثل همیشه سیاست ضد انسانی بستن مرزها را در پیش گرفتند. ما از مردم ایران به ویژه در استانهای نزدیک به مرز افغانستان میخواهیم، با اعتراض و هر شیوه که میتوانند، اولاً بر دست اندرکاران جمهوری اسلامی فشار بگذارند، تا مرزها را بگشایند و ثانیاً و مهمتر، مثل همیشه از مردم انساندوست و حق طلب میخواهیم به هر شیوه که میتوانند آوارگان افغانستان را کمک کنند. تفرقه اندازی و افغان ستیزی جمهوری اسلامی و عوامل و مقامات آن را خنثی سازند.

سیوان کریمی: بعنوان سؤال آخر، در صحبتهایت اشاره کردی مردم و زنان در افغانستان تحمل حکومت طالبان را ندارند، آیا چشم انداز مقاومت و مبارزه موثر در مقابل طالبان را می بینید؟

رحمان حسین زاده: به نظرم چشم انداز مقاومت و مبارزه توده ای روشن بینانه ای وجود دارد. شواهد نشان میدهد، پرچمدار چنین مقاومت توده ای، زنان آزادیخواه و برابری طلب جامعه و موتور محرکه این مقاومت زنان و جوانان خواهد بود. نشانه های پایه گذاری جنبش مقاومت توده ای را در همین چند روز رعب و ترس وارد شده به جامعه افغانستان در اراده جسورانه آزادیخواهان با محوریت زنان مشاهده میکنیم. دیدیم در همان فردای اشغال کابل توسط طالبان آکتیویستهای زن حتی در تعداد کم جسارت به خرج دادند، به نحو سمبلیکی برای شکستن جو ترس و ارباب وارد صحنه شده و جلو ارگ ریاست جمهوری و در مرکز کابل با صدای رسا اعتراض کردند. به دنبال اعتراضات بزرگتر شکل گرفت. در جوامع اسلام زده و آنجا که حکومت اسلامی، نوع جمهوری اسلامی و طالبان حاکمند، به حکم شرایط واقعی زنان نیروی اصلی مبارزه هستند. ما در این چهاردهه در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این را تجربه کردیم و بیامورد نگفته ایم، "انقلاب ایران زنانه" خواهد بود. به نظرم جنبش مقاومت توده ای اینبار

زنان پیشقدم "نه" به طالبان

در خیابانهای کابل

پروین کابلی



خاورمیانه یک مانع اساسی اسلام سیاسی است، آزادی زن بدون نفی این جنبش ممکن نیست. همه دیگر تجربه "نسبیت فرهنگی" و "اسلام و حجاب فرهنگ خودشان است" را دیدند و از آن منزجرند.

بدون شک زنان در افغانستان سکوت نخواهند کرد و در مقابل بریریتی که به یمن دخالت دولتهای مختلف به آنها

تحمل شده است خواهند ایستاد. تجربه ما در ۴۳ سال حکومت آپارتاید جنسی در ایران نشان می دهد که جنبش برابری طلب زنان در خاورمیانه بیش از هر زمانی به همکاری نزدیک نیاز دارد. اگرچه از صفر شروع نمی کنیم و این دیالوگ و همکاری تا حدی وجود داشته است، ولی در دوره اخیر با توجه به موقعیت جنبش سرنگونی و طبقه کارگر در ایران و ضرورت یک مقابله منطقه ای با طالبان، این همکاری و همسرنوشتی میتواند و باید ابعاد جدی تری بگیرد. جنبش آزادی زن در ایران کنار شماس، در این تردید نباید کرد. باید آستین ها را بالا بزنیم و با همفکری و همدلی گامهای موثر برداریم. همسرنوشتی ما در کشورهای منطقه گریز ناپذیر است. امروز وقت آنست که نگذاریم طالبان تثبیت شود و بفوریت علیه اش بپاخیزیم.

۱۹ اوت ۲۰۲۱

هنوز چند ساعتی از ورود طالبان به کابل نگذاشته بود که چهار زن در خیابانهای کابل در حالیکه مشتت ارازل و اوباش طالبان با اسلحه آنها را در محاصره گرفته بودند، شجاعانه با بلند کردن چند پلاکارد و شعار اعتراضی اعلام نمودند که حاضر به قبول سلطه این گروه ارتجاعی و ضد بشری نیستند. این اعتراض چهره ای جهانی به خود گرفت و تقریباً تمام رسانه های دنیا آنرا رصد نمودند. این را باید سر آغاز یک جدال بسیار مهم در جامعه ی افغانستان به حساب آورد.

افغانستان در کمتر از یک هفته سرتیتر خبرهای دنیا بود. کابل در روز ۱۵ اوت ۲۰۲۱ در مقابل چشمان مردم دنیا بدون شلیک یک گلوله سقوط کرد. نخ های این خیمه شب بازی تراژیک سیاسی از پشت صحنه بوسیله آمریکا، چین و روسیه و متحدان منطقه ای آنها هدایت شد. روزهای بعد تلویزیون های اصلی و نامعتبر جهان به سالن کنفرانس های خبری طالبان وصل شدند و آنها هم قول دادند که "حقوق مردم را رعایت خواهند کرد"، در محل بازی و شادی کودکان افغانستان به بازی پرداختند، همزمان حذف تصاویر زنان در جامعه در کنار ترور و تجاوز آغاز شد.

این نوع تبلیغات رسانه ها، ۴۳ پیش در انقلاب ایران برای اولین بار گفته شد. وقتی آمریکا و دول غربی برای سرکوب انقلاب سناریوی خمینی - بازرگان را به مردم ایران فروختند و روی دوش اپوزیسیون شرق زده و ناسیونالیست و مذهب زده ایران پیاده کردند، پیشاپیش در پاریس گفته بودند "در جمهوری اسلامی آزادی بیان و حقوق فردی تضمین میشود و کمونیست ها و سوسیالیست هم حق فعالیت دارند!" یک ماه بعد از قیام بهمن ۵۷ رسماً از ورود زنان بی حجاب به ادارات دولتی ممانعت شد و این سرآغاز کشمکشی به طول چهاردهه برای زنان در ایران شد.

اکنون زنان در افغانستان، بعد از تحمل یکدوره توحش طالبان، مجدداً بعد از بیست سال با بازگشت طالبان روبرویند. سرنوشت زنان در حکومت طالبان مهمترین مسئله مورد توجه و نگرانی افکار عمومی پیشرو و آزادیخواه جهان است. کسی تبلیغات رسانه ها برای "تغییر طالبان" را نپذیرفته است، این وحوش با بدوی ترین اشکال زندگی بیگانه اند. حذف زنان از جامعه را دیگر کسی قبول نمیکند. هیچ جامعه ای نمی تواند حرکتی به جلو داشته باشد در حالیکه نیمی از این جامعه در غل و زنجیر قوانین و سنتهای عقبمانده و قرون وسطائی اسیر است. زنان در افغانستان در ۲۰ سال گذشته تلاش سختی را برای به کرسی نشاندن موجودیت انسانی و حقوق شهروندی خود صورت دادند و توانستند درجه ای را تحمیل کنند. مسئله آزادی زن در افغانستان فقط امر زنان و مردان این کشور نیست، این سوالی منطقه ای در تقابل با اسلام سیاسی و سوالی جهانی است که بیش از یک قرن مبارزه و تلاش پشت آن قرار دارد. در

فراخوان: از کابل تا تهران مرکز بر طالبان!
با مبارزات مردم در افغانستان علیه فاشیسم اسلامی بجنگیم!



گوتنبرگ سوئد، یرن توریت
شنبه 28 اوت ساعت 14.00

سازمان آزادی زنان
Women's Liberation - Iran

خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

مراحل و محورهای کار ما

مقدمه :

اوضاع ایران به شدت متحول است. مبارزه علیه فقر و گرانی و برای تامین معیشت و سلامت مبرمیت عاجل پیدا کرده است. جدال بر سر قدرت سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی در صحنه سیاست ایران و از جمله در کردستان معنای بسیار زمینی و گسترده به خود گرفته است. پایان حاکمیت رژیم اسلامی و خارج شدن زودتر کنترل اوضاع از دست این حکومت، مشخصا در کردستان یک احتمال قوی است. سابقه و موقعیت و توانایی نیروی کمونیسم و چپ و آزادیخواه در کردستان یک پایه مهم قدرت کمونیستها و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است و میتواند نقش تعیین کننده ای در پیشروی کمونیسم و حزب ما در جدال سیاسی و طبقاتی برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی در کردستان و به تبع آن در سطح سراسر ایران ایفا کند.

حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان آن همان خط مشی و هدف سیاسی را تعقیب میکند که حزب در سراسر ایران برای تحقق آن میکوشد. حزب در عین حال با چشمان باز اوضاع متفاوت در کردستان را تعقیب میکند. در راستای جوابگویی به وظایفمان در کردستان نقشه مرحله بندی شده زیر را، با تعیین محورها و اولویتهای هر دوره ارائه میکند.

مراحل کار ما

۱- مرحله کنونی: تبدیل شدن به حزب قدرتمند و جابجا کننده نیرو در جامعه : جنبش کارگری و کمونیستی و حزب ما در جامعه کردستان دارای موقعیت اجتماعی و سیاسی جدی و انکار ناپذیر است. اما این موقعیت و پتانسیل هنوز به تمامی به توانایی عملی و متشکل و سازمانیافته، تبدیل نشده است. کل انرژی کمونیسم کارگری و عرصه‌های مبارزاتی حزب را در کردستان باید در نقشه‌ای فوری و هماهنگ به کار گرفت. در این راستا:

- محورهای کار مادر این دوره :

-نمایندگی کردن پلتفرم "نه" مردم به کلیت جمهوری اسلامی در اعتراضات جاری. بر این اساس بسیج‌گری اجتماعی و توده‌ای حول "سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری و رفاه همگانی" و "علیه فقر و فلاکت و بیکاری"، "تامین معیشت و سلامت" و دیگر شعارهای کنکرت و بسیج کننده سیاسی و اقتصادی در جنبش اعتراضی کارگری و توده‌ای در دستور عاجل کار ما است.

-تامین رهبری جنبش اعتراضی و انقلابی از طریق: الف- ناظر شدن پلتفرم و شعارهای متحد کننده و رادیکال بر این مبارزات، تلاش برای عروج دادن حزب به عنوان بخش لایتجزای مبارزات کارگری و توده‌ای جاری (جنبش کارگری، جنبش اعتراض عمومی، جنبش زنان، جوانان، معلمان). ب- تامین رهبری سراسری و محلی این مبارزات. به این معنا ۱- عروج رهبران و شخصیت‌های با توریته حزب در کردستان به عنوان رهبران درگیر در مبارزات اجتماعی. ۲- ابراز وجود موثر و اجتماعی فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جوانان و معلمان و دیگر جنبشهای اعتراضی، تلاش برای تامین رهبری در همه سطوح محله ای، شهری، جنبشی و عرصه ای برای مبارزات مردم و کمک به عروج و تامین هژمونی رهبران در محل در سطوح مختلف و تبدیل آنها به رهبران

سراسری جنبش اعتراضی.

-**ساختن حزب در داخل:** جلب و جذب رهبران و فعالین کمونیست جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال و محافل آنها به صفوف حزب. بر بطن گسترش شبکه محافل کمونیستی، ایجاد حوزه های حزبی دخیل در مبارزات و تحولات جاری موجود در کارخانه و محیط کار و محلات، دانشگاه و مدرسه، در میان جوانان و زنان، و عرصه‌های مختلف بسیار اساسی است. کلید مسئله قرار گرفتن کادرهای کمونیسم کارگری در راس شبکه محافل کمونیستی و حوزه های حزبی است. ارتباط محکم ما با این کادرها و هم خط و هم تصویر بودن آنها با سیاستهای حزب، این اقدامات میتواند منشاء سروسامان گرفتن حزب پر نفوذ و جابجا کننده نیرو در هر محیطی باشد که این کادرها و این شبکه‌های کمونیستی حضور دارند. ابعاد دیگر سازمانیابی حزبی و ایجاد کمیته و ارگانها و نهادهای مناسب دیگر را بنا به تغییر اوضاع و در انطباق با شرایط باید در دستور گذاشت.

-**سازماندهی توده‌ای، دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی :** نشانه های مساعد تغییر تناسب قوا به نفع گسترش سازمانیابی توده ای و کارگری قابل مشاهده است . دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی محور اصلی کار ما در ایندوره است. تدوین و تبلیغ طرح حاکمیت شورایی و اعلام علنی آن.

ما مبتکر جنبش مجمع عمومی و شورایی هستیم. در عین حال از ایجاد کانونها و نهادها و اتحادیه در رشته‌ها و بخشهای دیگر بنا به ضرورت و توسط کارگران، استقبال میکنیم و مبتکر آن خواهیم شد.

-**کنترل محلات :** خارج کردن نقشه مند محلات مختلف در شهرها از دایره اعمال قوانین و کنترل جمهوری اسلامی از طریق سازمان دادن مبارزه علیه جمهوری اسلامی توسط مردم متشکل و متحد حول شبکه هم بسته رهبران و فعالین پرنفوذ کمونیست، ایجاد شورای محله و تغییر تناسب قوا در شهرها مطابق یک برنامه زمان بندی شده و هماهنگ با سایر فعالیت های حزب.

-**گارد آزادی:** احیا و گسترش ظرفیت و پتانسیل گارد آزادی. تشویق و ترغیب جوانان به ایجاد واحدهای گارد آزادی. بکار گرفتن امکانات جامعه برای تامین تجهیزات و امکانات آن.

-**به حاشیه راندن افق و سیاست و موقعیت جنبش و احزاب ناسیونالیستی در کردستان.** خنثی کردن نقشه‌ها و طرحها و بند و بستهای سیاسی ضد مردمی احزاب ناسیونالیست. نقد مستمر و همه جانبه سیاستهای ناسیونالیستی و جریانات راست و ناسیونالیست و قوم پرست در کردستان... تعیین فوکوسهای سیاسی معین به منظور منزوی کردن احزاب ناسیونالیست. افشا و رسوا کردن طرح سیاه فدرالیسم و دارندگان آن. خنثی کردن تفرقه افکنی ناسیونالیستی و تلاش برای انتگره کردن مبارزات مردم در کردستان با مبارزات سراسری مردم ایران برای تامین آزادی، برابری، رفاه همگانی.

-در افتادن هدفمند با جریانات سیاه سلفی گری،

۳- مرحله نهایی: پایان حاکمیت جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی مردم در کردستان

- در این مرحله سرنگونی جمهوری اسلامی و به دست گرفتن ابتکار عمل برچیدن همه دم و دستگاه و پیکره رژیم یک سیاست محوری است. بر این اساس در هم آمیختن قدرت جنبش اعتراضی کارگران و مردم و توانایی سیاسی و نظامی کمونیسم و حزب برای یکسره کردن کار جمهوری اسلامی، و پایان دادن به حاکمیت آن، محور کار ما است.

-برقراری حاکمیت شورایی مردم، به مثابه ارگان اعمال اراده و قدرت مستقیم مردم بر سرنوشت خویش. تدوین و اعلام برنامه حاکمیت شورایی از هم اکنون در دستور کار ما است.

-اعلام و تعهد به اجرای لایحه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان. تدوین و تکمیل آن بر اساس بخش دوم برنامه دنیای بهتر. اعلام لایحه های ضروری دیگر از جمله: "لایحه حقوق زنان"، "قانون کار" و ...

-ارائه پلاتنرم راه حل کارساز حل مساله کرد، متکی به سیاست مندرج در برنامه دنیای بهتر و قطعنامه مصوب حزب حکمتیست در این رابطه.

- سازماندهی نیروی مسلح شوراهای مردم، متکی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی، این نیرو جایگزین نیروهای سرکوبگر و مافوق مردم میشود. به علاوه دخالت نیروی مسلح احزاب در تعیین سرنوشت مردم و تحمیل حاکمیت از بالا به جامعه، قویا مردود است.

- تلاش برای شکل دادن به همکاری موردی و مشخص نیروهای چپ و کمونیست در کردستان حول مفاد پلاتنرم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، برنامه حاکمیت شورایی مردم، لایحه حقوق پایه ای مردم کردستان، پلاتنرم راه حل مساله کرد.

مصوب دفتر سیاسی و کمیته کردستان حزب حکمتیست

اکتبر ۲۰۲۰

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت

خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

مراحل و محورهای کار ما ...

سنی گری و ارتجاع مذهبی

کسب آمادگی برای اوضاع اضطراری: با شل شدن و شکستن بیشتر اقتدار جمهوری اسلامی در سطح سراسری، به دلیل شرایط متفاوت سیاسی و مبارزاتی در جامعه کردستان، احتمال تعرض زودتر مردم برای برچیدن حاکمیت رژیم در کردستان وجود دارد. کمونیستها و حزب حکمتیست به عنوان نیروی فعاله و نه منتظر، با طرح و نقشه از هم اکنون فکر شده باید برای آن شرایط خود را آماده کنند. کسب آمادگی لازم برای اوضاع اضطراری و داشتن طرح برچیدن جمهوری اسلامی از اولویتهای مهم حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان آن است.

۲- مرحله بعدی: جابجایی عملی قدرت سیاسی: فلج شدن بیشتر جمهوری اسلامی در بعد سراسری ایران، موقعیت جدیدی را در کردستان به وجود میآورد. در شرایطی که توانایی عملی جمهوری اسلامی در کنترل اوضاع بیشتر کاهش یابد، به نحوی که کارش به حکومت نظامی و آمادهباشها و اوضاع اضطراری برسد، دوره اتفاقات مهم با دخالت فعال خود ما در کردستان فرا میرسد. از جمله :

-جنبش اعتراضی و مردم برای برچیدن جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع خیز برمیآوردند. - دخالت احزاب سیاسی و مسلح برای سهمبری از قدرت و تعیین تکلیف قدرت وارد دوره جدیدی میشود. - توطئهها و بند و بستهای جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی و احزاب ناسیونالیست علیه اراده مردم شروع میشود.

لذا در ایندوره با در هم آمیختن و هماهنگ کردن عرصه های اصلی مبارزه انقلابی (اقتصادی و سیاسی و نظامی) و اتکا به قدرت عملی و سازمانی و اجتماعی و نظامی حزب (گارد آزادی) و به میدان کشیدن مردم، برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی و خنثی کردن توطئههای ارتجاعی باید دست بکار شد. در این رابطه محورهای اصلی کار ما چنین است: الف - حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به شیوه علنی، اجتماعی و نظامی و سازمانی در شهرهای کردستان ابراز وجود میکند. رهبران و شخصیتهای با اتوریته در داخل مستقر میشوند. ب- با به میدان کشیدن جنبش اعتراضی کارگران، زنان و جوانان و مردم، جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار میدهیم. ج- ابتکار اجتماعی کنترل محلات و شهرها را باید در دستور گذاشت. سازمانهای توده ای مرتبط با حزب (سازمان آزادی زن، سازمان جوانان و ...) را در هر جا که ممکن است، مستقر کرد. د- ایجاد کمیته های حزبی و کمونیستی در کارخانه و مراکز کار و محلات و در سطوح مختلف را در دستور میگذاریم.

ه- ایجاد و سازماندهی مجامع عمومی و شوراها و دیگر سازمانهای توده ای رادیکال را وسیعا باید گسترش داد.

و- خنثی کردن توطئهها و بند و بستهای احزاب سیاسی ناسیونالیست کرد و جمهوری اسلامی. داشتن سیاست و تاکتیکهای روشن در تناسب قوای مختلف در مقابل احزاب سیاسی مختلف. یک بخش مهم کار در این دوره تلاش برای متعهد کردن سیاسی و عملی احزاب به مفاد بیانیه ای که مانع وقوع سناریوی سیاه در کردستان شود.

۲۸ مرداد و روایت های مختلف

صالح سرداری

* این یادداشت در بیست و ششمین سالروز یورش ۲۸ مرداد نوشته شده و در این مناسبت مجدداً آنرا منتشر میکنیم.

بیست و شش سال از فرمان حمله خمینی به مردم کردستان می گذرد. اکنون بعد از این سال ها تغییرات بسیاری در صحنه سیاست در ایران در میان مردم و رژیم، نیروها و احزاب دخیل در آن دوره بوجود آمده است. جمهوری اسلامی تازه بقدرت رسیده برای سرکوب انقلاب برای سرکوب آزادی های سیاسی، برای استقرار پایه های قدرت خود، برای بشکست کشاندن انقلاب ۵۷ مردم ایران دست به حمله به همه دستاوردهای انقلاب کرد. بعد از حمله به دانشگاهها و ترکمن صحرا و به گلوله بستن کارگران بیکار در اصفهان یورشی جنایتکارانه به کردستان را سازمان دادند. کردستان سنگری مهم در ادامه انقلاب ۵۷ بود. رژیم تازه بقدرت رسیده اسلامی با مسلح کردن مرتجعین محلی و فئودالها و با در اختیار قرار دادن پول و امکانات زیادی به احمد مفتی زاده و دایر کردن مکتب های قرآن در اکثر شهرهای کردستان می خواست جا پای خود را در کردستان باز کند. در کردستان بخاطر قدرت چپ این دارودسته های ارتجاعی نتوانستند در میان مردم جمهوری اسلامی را به مردم بقبولانند. ناسیونالیسم کرد در قالب حجب دمکرات نیز مرتب با جمهوری اسلامی در مذاکره و بند بست بود.

جمهوری اسلامی می خواست به بهانه خلع سلاح مفر مزدوران محلی و مکتب قرآنی های طرفدار مفتی زاده در روز ۲۳ تیرماه ۵۸ در شهر مریوان توسط مردم این شهر حمله خود را به کردستان آغاز کند که با هشیاری کمونیست های آن شهر و خصوصاً رفیق فواد مصطفی سلطانی خنثی گردید. برای جلوگیری از این جنگ زودرس و نابرابر در یک اقدام تاریخی شهر را به نشانه اعتراض تخلیه کرده و کوچ مشهور مردم شهر را سازمان دادند. اما ۲ هفته بعد از پایان این کوچ بهانه ای را در منطقه پاوه برای این حمله جنایتکارانه پیدا کردند. در روز بیست و هشت مرداد ماه ۵۸ با فرمان خمینی جلا دگر گله های حجب الله و پاسداران و بسیجیان و ارتش جمهوری اسلامی با همه سلاح های خود از زمین و هوا به کردستان حمله کردند. خیلی از کسانی که امروز دکتور و مهندس و جامعه شناس دوم خردادی تشریف دارند از فرماندهان و آمران این جنایت بر علیه مردم کردستان بودند. اینها معماران و بنیانگذاران وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و دیگر دستگاههای مخوف و آدمکش جمهوری اسلامی بودند که در مقاطع مختلف برای حفظ این حکومت شیوه های مختلفی را برگزیده اند. اگرچه جمهوری اسلامی با تکیه بر خشونت و جنایت و توهماتی که مردم به این رژیم داشتند توانست شهرهای کردستان را به اشغال درآورد، اما دیری نگذشت که اعتراضات مردم در شهرهای کردستان و همچنین فعالیت نیروهای مسلح پیشمرگ توانست جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرده و خمینی را وادار کرد اولین جام زهر را بنوشد و در ۲۶ آبانماه به مردم کردستان پیام آتش بس بدهد تا بلکه بتواند نیروهای خسته و فرسوده اش را برای مدتی بازسازی و دوباره به کردستان حمله کند.

اکنون بعد از بیست و شش سال از فرمان جهاد بر علیه مردم گذشته است. در میان جمهوری اسلامی و نیروهای شرکت کننده در این نظام تغییرات بسیاری بوجود آمده است. بنی صدر رئیس جمهور وقت که به سربازان و پاسداران دستور داد تا کردستان را به اشغال درنیورید بند پوتین هایتان را باز نکنید خود در تبعید بسر می برد و از دست همان

پاسداران که برایشان فرمان صادر میکرد خود را در اروپا نیز مخفی میکند. بنی صدر در تمام مصاحبه ها و نوشته ها و سوالاتی که بمناسبت های مختلفی از وی کرده اند نه تنها حاضر نیست این جنایت خود در آن دوره را محکوم کند و از مردم پوزش بخواهد بلکه مردم کردستان و نیروهای سیاسی کرد را مسئول اتفاقات آن دوره می داند. در مورد حمله ۲۸ مرداد به کردستان و این وقایع روایات مختلفی داده می شود. بعضی ها آن را "جنگ کرد و فارس" می نامند، بعضی ها به "جنگ شیعه و سنی" ربطش می دهند. اما این روایتها گمرا کننده اند. ذره ای به واقعیت های آن دوره نزدیک نیستند. واقعیت این است این حمله جمهوری اسلامی به کردستان حمله به آخرین سنگر انقلاب در ایران بود. کسانی که این حمله را "حمله فارس ها و غیر کردها به کردستان" میدانند پس حمله جمهوری اسلامی به ترکمن صحرا به دانشگاهها و اعدام کردن صد هزار نفر از شریف ترین انسان های آزادیخواه در سایر نقاط ایران را چگونه توجیه میکنند؟ همه ما میدانیم که در این حمله به کردستان آنهایی که جلودار نیروهای جنایتکار به مردم در کردستان بودند کرد زبان بودند و هستند. و بر عکس خیلی از انسان های چپ و کمونیست غیرکرد هم در مقابل این جنایت جمهوری اسلامی در کردستان ایستادند و جان باختند. روایت دیگری که مذهبی های کردستان اکنون از آن تاریخ میدهند بی پایه و اساس است. همین سنی مذهب های کرد که آنوقت ها در مکتب قرآن احمد مفتی زاده و سازمان پیشمرگان کرد مسلمان سازمان داده شده بودند، پیشقروالان حمله سرکوبگران سپاه و بسیج و گله های حزب الله در کردستان بودند و صدها انسان کمونیست و آزادیخواه را در شهرهای کردستان به خلخالی جلا د سپردند و بعضی از آنها هنوز هم دارند به این رژیم خدمت می کنند.

واقعیت این است در کردستان بعد از سقوط رژیم شاه تحت تاثیر سازمان کومه له که سازمانی چپ و نقوذی اجتماعی داشت مردم در شوراها و بنک های محلات خود را سازمان دادند. تشکلات توده ای مانند سندیکاها، کارگری، تشکل های زنان، جامعه معلمان، اتحادیه های دهقانان و تشکل های دانش آموزان ایجاد گردیدند. مردم پادگانها و مراکز نظامی را خلع سلاح کرده بودند و خود در شکل ملیشایی توده ای مسلح بودند. حفاظت شهرها و روستاها را خود بعهده داشتند. انواع اجتماعات و تظاهرات و برپا می شد. ضد انقلاب جمهوری اسلامی تاب تحمل این اوضاع را در کردستان نداشت و اساسی ترین دلیل فرمان حمله به کردستان به این خاطر بود که نمی توانست تحمل کند مردم در سرنوشت خود دخالت کنند بخصوص که کمونیست ها و چپ ها در آن دست بالا داشتند. در آن دوره توده ایها و بعدا سازمان اکثریت هرچه در چپ داشتند در کنار جمهوری اسلامی بر علیه مردم کردستان و کومه له بیرون ریختند، کومه له و مردم کردستان را عوامل پالیزبان

عکسهائی از حضور فعالین حزب در مقابل دادگاه حمید نوری در استکهلم



۲۸ مرداد

و روایت های مختلف ...

و بیگانه و ضدانقلاب نامیدند. در خدمت جمهوری اسلامی کمر به شکار کمونیست ها و آزادیخواهان در کردستان بستند و مانند سایر نقاط ایران به لو دادن مبارزین و مخالفین جمهوری اسلامی پرداختند. اکنون و بعد از گذشت ۲۶ سال از آن تاریخ بخشی از سازندگان این تاریخ کومه له با جعل نام کومه له به کسان و جریاناتی پیوسته اند که مقاومت و مبارزه مردم کردستان را علیه جمهوری اسلامی را به مسئله قومی و ملی ربط میدادند و می گویند جمهوری اسلامی به این خاطر به کردستان حمله کرده است. انگار نه شورایی نه اتحادیه ای نه بنکه ای نه تشکیلی وجود داشته اند و اجتماعات و تظاهرات و شعارها و مطالباتی که مردم برای خواست های انسانی خود و برای تغییر و بهبود در زندگی در آن سال ها مبارزه می کردند برای خودمختاری و تدرالیسم بوده است! و جالبتر از همه در این مدت سازمان عبدالله مهتدی و ایلخانی زاده با سازمان اکثریت که سابقه نامبارکش برای همه روشن است مرتب اعلامیه و اطلاعیه مشترک صادر می کنند و همکار همدیگر شده اند.

در سالگرد ۲۸ مرداد جا دارد از دستاوردها و تجارب آن درس گرفت. اکنون بعد از اعتراضات اخیر و بخصوص بعد از اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد در همه شهرهای کردستان چپ در جامعه در موقعیت بهتری قرار گرفته است. باید این موقعیت را ارتقا بخشید. این دست کمونیست ها را می بوسد.

به حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست
کمک مالی کنید!



همچنین رفیق احمد بابایی از جمله خطاب به مردم افغانستان گفت: میدانم داغیده هستید، حمله کردند، کشتند، کودکان دوازده ساله تان را به نکاح جهادیون اسلامی در آوردند. دولتهای غربی به همین آسانی مردم رو به بهای ارزان میفروشند. دولتهای غربی هزینه میکنند، بودجه میزارند، این تروریستها را پرورش میدهند، بعد افسارشان رو ول میکنند که بیافتند به جان مردم. با سیاست نسبیبت فرهنگی مدارس مذهبی درست میکنند و کودکان رو برای کشتار و جنایت آموزش میدهند. ترودو گفته: "من حکومت طالبان رو به رسمیت نمیشناسم". نشد آقای ترودو، نشد! چرا مدارس مذهبی و مساجد رو جمع نمیکنی؟ چرا اوباشان جمهوری اسلامی رو جمع نمیکنی؟

مردم افغانستان! آزادیخواهان و مردم ایران با شما هستند. مراکز کارگری، دانشجو و پیر و جوان از شما حمایت کردند. اگر حکومت در ایران دست کارگران و زحمتکشان بود، محال بود که اجازه بدهند که این جنایتکاران حبه دخترانتون تجاوز کنند. ما مردم ایران داریم حکومت اسلامی رو از بین میبریم، شما هم در افغانستان همپای ما طالبان رو از بین ببرید. و در پایان تاکید کرد که رژیم پولی را که باید صرف تهیه واکسن برای انسانهایی که مثل برگ خزان میریزند کند، آنرا صرف این مراسمهای عقبمانده میکند.

اعتراض امسال کمونیستها و آزادیخواهان تورنتو باعث شد که عوامل جمهوری اسلامی نتوانند در همان مقیاس صد نفره و خیابانهای فرعی هم ابراز وجود کنند. این یک تو دهنی دیگر به آنها بود. دست همه شرکت کنندگان را بگرمی میفشاریم.

تشکیلات کانادا حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۰ اوت ۲۰۲۱



گزارشی از اعتراض علیه عاشورای جمهوری

اسلامی در تورنتو

علیه طالبانها در تهران و کابل

پنجشنبه ۱۹ اگوست به فراخوان تشکیلات کانادا حزب حکمتیست و تعدادی دیگر از احزاب و سازمانها، تظاهراتی علیه رژه و مراسم عاشورا در تورنتو برگزار گردید.

امسال ششمین سال است که عوامل جمهوری اسلامی و وابستگان آن مناسک اسلامیشان را به خیابانهای تورنتو کشاندند و ما در این سالها در تقابل با این حرکت مزدوران رژیم اعتراض و تظاهرات کردیم. سالهای اول دسته سینه زنی شان از میدان ملسمن و طول خیابان یانگ و در آخر به پلازای ایرانیان و محوطه پشت پلازا ختم می شد. در سالهای مبارزه ما کمونیستها با این اسلاميون مرتجع، دسته سینه زنی شان از خیابان اصلی یانگ به خیابانهای فرعی منتقل شد و هر سال تعدادشان کمتر شد. امسال پلیس به ۱۰۰ نفر از آنان اجازه مراسم داد. اما وقتی پلیس از وجود ما و تظاهرات ما مطلع شد، از نیمه های راه و احتمالاً بخاطر احتمال درگیری و غیر قابل کنترل بودن اعتراض با وجود کرونا، سینه زنان را به یک کلیسا در بین راه کشاندند و خواستند که همانجا مراسمشان را پایان دهند.

در پلازای ایرانیان ۴ ساعت کمونیستها به سخنرانی و شعار سر دادن علیه رژیم اسلامی پرداختند. همینطور علیه مغازه دار مزدوری که روبروی تظاهرات ما هر سال روز عاشورا آتش نذری پخش میکرد، شعارهای کوبنده و افشاگرانه سر دادند.

در این تظاهرات رفقا فخری جواهری و احمد بابایی از کادرهای حزب سخنرانی کردند. فخری جواهری در صحبتهایش تاکید کرد که ما برای اعتراض به رژه طالبانها و مراسم عاشورا در تورنتو و آوردن مراسم خصوصی و امر شخصی مذهبی به توی خیابان و یک محل عمومی اعتراض میکنیم.

مسئله مهمتر اینست که جلو چشم ما، جلو چشم جهان، یک جامعه رو، جامعه افغانستان رو دولتها با یک معامله کثیف به طالبان تحویل دادند. همانطور که مردم ایران دارند جمهوری اسلامی را سرنگون میکنند، مردم افغانستان باید علیه حکومت طالبان نیروهای مقاومت سازمان دهند و حکومت طالبان را سرنگون کنند و کوچکترین امیدی به دولتها نتیجه اش حکومت طالبانها، جمهوری اسلامی ایران و عراق است. دولتهایی که حتی مرزهای خود را بر روی انسانهایی که از دست جنایتکاران و تروریست های طالبان قصد فرار داشتند را بستند. کانادا جایی شده برای جنایتکاران و قاتلین و دزدان و اختلاسگران و همچنین با قانون نسبیبت فرهنگی کانادا اجازه میدهند که مناسک متحجر اسلامیشان را به خیابان بیاورند. ولی با سرنگونی جمهوری اسلامی همه ی پولهای دزدیده شده از مردم ایران رو از حلقومشان در میاوریم و قاتلین و جنایتکاران را محاکمه خواهیم کرد.



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

اعتصاب هفت تپه

تا امروز پنجشنبه ۲۸ مردادماه اعتصاب کارگران شرکت هفت تپه به سی و هشتمین روز خود رسیده است. کارگران در اعتراض به محقق نشدن مطالباتشان و همچنین عدم پاسخگویی مسئولین مقابل فرمانداری شوش دست به تجمع زدند. در چند روز گذشته ۲ ماه از حقوق معوقه بخشی از کارگران پرداخت شده است. کارگران و پرسنل بخش مالی، اداری و بازرگانی هنوز حقوقی دریافت نکرده‌اند. کارگران هنوز ۲ ماه دیگر حقوق معوقه و خواسته‌ها و مطالبات دیگری دارند که در اعتراض به عدم تحقق آنها به اعتصابشان ادامه می‌دهند.

اعتصاب کارگران ۲۲ شرکت در عسلویه با خواست واکسیناسیون

روز چهارشنبه ۲۷ مرداد کارگران پروژه ای ۲۲ شرکت نفتی در عسلویه برای دومین روز با خواست واکسیناسیون رایگان دست به اعتصاب زدند. این کارگران در روز سه شنبه مقابل کانکس مدیریت تجمع داشتند. بدنبال اعتصاب مدیریت پتروشیمی‌ها وارد مذاکره با کارگران شد و روز چهارشنبه واکسیناسیون در ده شرکت شروع شده و وعده دادند که روز ۲۸ مرداد کارگران ده شرکت دیگر نیز واکسینه شوند. خواست واکسن رایگان و استاندارد و همگانی یک خواست طبقه کارگر و اعتراضات کارگری بوده و اعتراضات اخیر نیز ادامه‌انست. شرکت‌های عسلویه بخشی از کارگرانی هستند که در اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای و پیمانی صنایع نفت شرکت داشتند و بخشا با تحمیل درجه ای از مطالبات خود سرکار بازگشته‌اند. هم اکنون اعتصاب کارگران پروژه ای نفت ادامه دارد و بخشی از کارگران هنوز در اعتصاب بسر می‌برند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت پازن در تهران

روز دوشنبه ۲۵ مرداد کارگران شرکت لبنیاتی پازن واقع در "نسیم شهر" تهران، در اعتراض به عدم پرداخت حق بیمه و دستمزد در مقابل این مجتمع صنعتی دست به تجمع زدند. این چندمین بار است که کارگران برای حقوق‌های معوق و چند ماه پرداخت نشده اعتراض می‌کنند. ولی تاکنون مدیران مطالبات کارگران شرکت پازن را بی‌پاسخ گذاشته‌اند. مدیران شرکت خطاب به کارگران گفته‌اند: حقوق را هر موقع دوست داریم می‌دهیم!

اعتراض کارگران شهرداری بستان

کارگران شهرداری بستان واقع در دشت آزادگان از استان خوزستان اعتراض خود را به نحوه پرداخت حقوق اعلام کرده‌اند. حدود ۱۷۰ کارگر شهرداری بستان به روند پرداخت حقوق معترض هستند. آنان می‌گویند: «حدود ۱۴ ماه مطالبات عقب‌افتاده مزدی طلبکار هستند.

بیمه این کارگران نیز حدود ۳ سال است پرداخت نشده است.»

فوت ۱۰ نفر از کارگران حمل و نقل مشهد به دلیل کرونا

ایمان فرهمندی، عضو کمیسیون خدمات شهری شورای شهر مشهد گزارش داده: متأسفانه بیش از ۶۰ نفر از کارگران قطار شهری مشهد و ۱۳۰ نفر از کارگران اتوبوسرانی مشهد هم‌اکنون با بیماری کرونا درگیر هستند و طی دو هفته گذشته، ۱۰ نفر از همکاران ما در حوزه حمل و نقل عمومی به دلیل ابتلا به کرونا جان خود را از دست داده‌اند.

"سونامی" کرونا در ایران

در شبانه روز منتهی به ۲۶ مرداد برای نخستین بار از آغاز پاندمی در ایران شمار مبتلایان شناسایی شده به ۵۰ هزار و ۲۲۸ نفر رسید. امیرمسعود هاشمیان، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد وضعیت این شهر را وخیم عنوان کرده و گفته این شهر از پاندمی کرونا عبور کرده و به سونامی رسیده است. همچنین سخنگوی قرارگاه مقابله با کرونا استان البرز اعلام کرد که میزان مراجعه روزانه بیماران کووید ۱۹ به مراکز درمانی استان از حدود ۱۷۰۰ نفر در یک ماه گذشته اکنون به بالای ۴۲۰۰ نفر رسیده است.

تجمع اعتراضی افغانستانی‌های مقیم ایران مقابل دفتر سازمان ملل در تهران

روز یکشنبه ۲۴ مردادماه افغانستانی‌های مقیم ایران در مقابل ساختمان سازمان ملل تجمع کرده و علیه تصرف افغانستان توسط طالبان و سکوت نهادهای بین‌المللی دست به اعتراض زدند و شعار "مرگ بر طالبان" سردادند. این تجمع با وجود اینکه هیچ تهدید امنیتی برای جمهوری اسلامی محسوب نمیشد با یورش ماموران انتظامی و ضرب و شتم شعاردهندگان روبرو شد. روز چهارشنبه نیز شهروندان افغانستانی ساکن اصفهان در حمایت از افغانستان با شعار "تا خون در رگ ماست طالب دشمن ماست" دست به تجمع اعتراضی زدند.

تظاهرات مردم ننگرهار افغانستان علیه طالبان

مردم ولایت ننگرهار افغانستان علیه طالبان تظاهرات کردند و در مقابل طالبان علیه مردم معترض دست به تیراندازی زده است. در جریان تظاهرات مردم جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار افغانستان علیه طالبان، این جریان تروریست به شکل وحشیانه‌ای به سوی مردم معترض آتش گشود و دست‌کم ۲ نفر را کشته و تعدادی را زخمی کردند.

بیانیه انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران

انجمن کارگران ساختمانی کامیاران در واکنش به

ستون اخبار کارگری و حرکتهای

اعتراضی ...

دوباره که حیدر قربانی تحت شکنجه ناچار به "اعتراف اجباری" شده است، از جمهوری اسلامی خواست حکم اعدام این زندانی را لغو کند.

نصرت بهشتی از انفرادی به بند زنان زندان مشهد منتقل شد. نصرت بهشتی معلم بازنشسته که مدت ۷ روز در سلول انفرادی در حال بازجویی بود، روز چهارشنبه ۲۰ مرداد به بند زنان زندان مرکزی مشهد منتقل شد. نصرت بهشتی در روز ۱۳ مرداد توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شد. وی قبلاً نیز در تاریخ سوم دیماه ۹۸، توسط ماموران اطلاعات دستگیر و دستکم ۳۰ روز را در بازداشت و تحت بازجویی بوده است. اتهام این معلم بازنشسته شرکت در "اجتماع غیر قانونی" عنوان شده است.

اعتصاب غذای آتنا دائمی در زندان لاکان رشت

حسین دائمی پدر آتنا در توییتر با انتشار خبر اعتصاب آتنا نوشت: بدلیل عدم رسیدگی به قطع شدن مکرر تلفن زندان لاکان رشت و پاسخگو نبودن مسئولین به وضع موجود آتنا دائمی از صبح امروز با اعلام قبلی به مسئولین زندان به نشانه اعتراض به وضع موجود دست به اعتصاب غذا زد، آتنا همچنین اعلام کرده تا برطرف نشدن مشکل تلفن به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد. وی نوشت: متأسفانه از روزی که آتنا من رو به زندان لاکان رشت تبعید کردن مرتب ما با قطعی تلفن روبرو بودیم. آخرین مورد هفته پیش بخاطر قطع بودن تلفن و بی خبری از حال دخترم راهی شمال شدیم که من و همسرم گرفتار کرونا شدیم و اکنون هردو بیمار هستیم.

تجمع اعتراضی آموزشیاران نهضت سواد آموزی

روز شنبه ۲۳ مردادماه جمعی از آموزشیاران نهضت سواد آموزی در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان و با خواست استخدام در آموزش و پرورش مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. این آموزشیاران خواهان ورود به دانشگاه فرهنگیان برای گذراندن دوره مهارت آموزی یک ساله و استخدام در آموزش و پرورش هستند.

تجمع کشاورزان اصفهان مقابل استانداری

روز یکشنبه ۲۴ مرداد جمعی از کشاورزان اصفهان با خواست راهسازی مجدد آب زاینده رود مقابل استانداری اصفهان دست به تجمع زدند.

درخواست اخراج کارگران مهاجر توسط انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه، بیانیه ای صادر کرد و خواستار لغو این درخواست و معذرت خواهی این انجمن شد. در این بیانیه از جمله آمده است:

چند روز پیش آقای حسن عزتی رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه طی نامه‌ای به اداره‌های مربوطه خواستار اخراج کارگران مهاجر در شهر بانه شده‌اند. ما اعضای انجمن کارگران ساختمانی کامیاران این حرکت راست‌گرایانه و ضد کارگری آقای حسن عزتی را محکوم می‌کنیم. هیچ کارگری خواهان دور شدن از خانواده و محل زندگی خود نیست و این یک ظلم بزرگ در دنیای سرمایه‌داری است که کارگران زیادی با آن مواجه هستند. کارگران به اجبار و برای امرار معاش به مهاجرت تن می‌دهند و این انتخاب کارگران نیست. ... ما بار دیگر این حرکت آقای حسن عزتی رییس انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه را غیر انسانی می‌دانیم و آن را محکوم می‌کنیم. همچنین خواستار لغو این درخواست و معذرت خواهی انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه از کارگران مهاجر در بانه هستیم. سکوت کانون استانی و بقیه انجمن‌ها در این راستا، به منزله همراهی و همفکری با این تفکر ننگین می‌باشد.

قتل‌های محیط‌ناامن کار

روز دوشنبه ۲۴ مرداد دو کارگر معادن سرب و روی "دره زنجیر" شهرستان تفت و معدن فلدسپات "فراز کوه" در شهرستان میبد در فاصله چند ساعت جان باختند. یک کارگر ۳۶ ساله بدنبال ریزش تونل دچار حادثه شد که گروه‌های امدادی بعد از انجام عملیات سه ساعته آواربرداری، پیکر بی‌جان وی را از زیر آوار خاک و سنگ خارج کردند. در شامگاه همان روز حوالی ساعت ۱۹ در معدن فلدسپات فراز کوه واقع در پنج کیلومتری دهستان "درین" میبد رخ داد یک کارگر راننده ی لودر حین انجام خاکبرداری معدن بر اثر واژگونی لودر دچار حادثه شد و جانش را از دست داد. روز سه شنبه ۲۶ مردادماه، در سایه فقدان ایمنی محیط کار، چهار کارگر در شهرهای کرچ، رشت و خرم آباد به صورت جداگانه در حین کار دچار حادثه شدند و دو کارگر مصدوم و دو کارگر از جمله یک کودک کار جان خود را از دست دادند. ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان در رتبه ۱۰۲ قرار دارد.

جان حیدر قربانی، زندانی سیاسی در خطر است

حیدر قربانی به همراه محمود صادقی (برادر همسرش) که ساکن یکی از روستاهای کامیاران در استان کردستان بودند، در ۲۵ مهر ۹۵ به اتهام "همکاری و معاونت در قتل چند عضو سپاه پاسداران" بازداشت شدند. عفو بین‌الملل بار دیگر هشدار داد که حیدر قربانی در معرض خطر اجرای حکم اعدام قرار دارد. این سازمان در توییتی با تاکید

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

گمونیست

زنده باد سوسیالیسم!